

دکتر رابرت ای. پترسون، الهیات به معنای خاص، جلسه ۶ پدر خداست

رابرت ای. پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت ای. پترسون و تدریس او در مورد الهیات به معنای واقعی کلمه یا خدا هستم. این جلسه ششم است، پدر خداست.

ما سخنرانی‌های خود را در مورد الهیات به معنای واقعی کلمه، دکترین خدا، ادامه می‌دهیم.

ما هفت گزاره داریم که با استناد به آنها، آموزه تثلیث را بنا می‌کنیم. پس از بررسی الهیات تاریخی تثلیث، به این نتیجه رسیدیم که یک خدا وجود دارد. ما این را از تثلیث ۶:۴ و ۵، یعقوب ۲:۱۹ و اول تیموتائوس ۲:۵ و استخراج کردیم. یک خدا وجود دارد، شماره یک ۶.

دوم، پدر خداست. سوم و چهارم، روح القدس خداست. پنجم، پدر، پسر و روح القدس جدایی‌ناپذیر اما متمایز هستند.

ما اشخاص را از هم جدا نمی‌کنیم، اما آنها را از هم متمایز می‌کنیم. ما آنها را با هم اشتباه نمی‌گیریم. جدایی‌ناپذیرند، آنها یک خدا هستند، اما متمایز.

در اقتصاد، در تاریخ، در تاریخ رستگاری، آنها نقش‌های متفاوتی ایفا می‌کنند. شماره شش، پدر، پسر و روح القدس در یکدیگر ساکن هستند. آموزه‌ای شگفت‌انگیز و اسرارآمیز که به ویژه در انجیل یوحنا آشکار شده است.

عهد جدید آموزه کاملی از تثلیث را آموزش نمی‌دهد، اما مفهوم هم‌ذات‌پنداری، پری‌کورسیس، و ختنه شدن اشخاص، دلالت بر تثلیث دارد. این قابل توجه است. و سپس هفت، پدر، پسر و روح القدس در وحدت و برابری وجود دارند.

یک خدا وجود دارد، نه سه خدا، و این سه شخص در ذات خود برابرند. البته، پسر در تجسم، تابع می‌شود. پدر خداست.

الوهیت خدای پدر در کتاب مقدس آنقدر آشکار است که بسیاری از مردم آن را فرض می‌کنند. در واقع، به نظر من این موضوع نادیده گرفته می‌شود. لازم نیست الوهیت خدا را نشان دهید.

خب، من فکر می‌کنم شما باید همه چیز را نشان دهید. و الوهیت خدای پدر از زوایای مختلفی نشان داده می‌شود. این زوایا شامل عناوین الهی، رابطه او با مسیح، صفات یا ویژگی‌های الهی، پرستش او و اعمال الهی می‌شود.

بیشتر اینها گفته‌های فلسفی هستند که فعلاً نامشان را فراموش می‌کنم. از این نوع، افرادی که واقعاً به آنها القاب الهی نسبت داده می‌شود، خدا هستند، یک قیاس منطقی. آنها قیاس منطقی هستند.

کتاب مقدس حقیقتاً به پدر عناوین الهی نسبت می‌دهد. بنابراین، پدر خداست. نحوه‌ی اشاره‌ی کتاب مقدس به پدر نشان می‌دهد که او خداست.

او، متی ۱۱:۲۵، از زبان عیسی است. عیسی خوشحال نیست. او بیشتر معجزات خود را در شهرهای جلیل در اطراف دریای جلیل انجام داد، اما خوشحال نبود زیرا آنها ایمان نیاوردند.

او آنها را به باد انتقاد می‌گیرد و سپس بیانیه‌ای شگفت‌انگیز از حاکمیت الهی ارائه می‌دهد. ابتدا، او آنها را با مسئولیت، پاسخگویی و شکست انسانی خطاب قرار می‌دهد. وای بر شما! او آنها را برکت می‌دهد.

اگر معجزاتی که در تو انجام شد در سدوم و عموره انجام می‌شد، آنها توبه می‌کردند. سدوم و عموره مظهر شرارت بودند. داوری تو بدتر از داوری آنها خواهد بود، زیرا نور بیشتر، مسئولیت بیشتری به همراه دارد.

نور بیشتر رد شده، داوری شدیدتری را به همراه دارد. ۱۱ ۲۵ متی. در آن زمان، درست بعد از گفتن، اما به شما می‌گویم، در روز داوری، تحمل آن برای سرزمین سدوم آسان‌تر از شما خواهد بود.

الهی، منظوم مسئولیت و پاسخگویی انسان در برابر خداست که با حروف بزرگ و پررنگ و ایتالیک نوشته شده، که روشی است که قرار است در انگلیسی برای نشان دادن تأکید، یعنی مورد دوم، به کار برید. به هر حال، در آن زمان، عیسی اعلام کرد، از تو سپاسگزارم، پدر، پروردگار آسمان و زمین. دوستان من، این یک عنوان الهی است.

که این چیزها را از خردمندان و خردمندان پنهان داشته‌ای و به کودکان آشکار ساخته‌ای. آری، ای پدر، زیرا چنین بود اراده‌ی مهربان تو. همه چیز از جانب پدرم به من سپرده شده است و هیچ‌کس پسر را نمی‌شناسد جز پدر، و هیچ‌کس پدر را نمی‌شناسد جز پسر.

و او این را به هر کسی که پسر می‌خواست او را آشکار کند، تحمیل کرده بود. حاکمیت الهی. حاکمیت پسر.

او شهرهای جلیل را به خاطر بی‌ایمانی سرزنش می‌کند. سپس می‌گوید، هیچ‌کس پدر را نمی‌شناسد، مگر کسانی که پسر بخواهد آنها را به آنها آشکار کند. مسئولیت انسانی، حاکمیت الهی.

کلمات بعدی، مسئولیت انسانی. ای تمام زحمتکشان و گرانباران، نزد من آید و من به شما آرامش خواهم داد. یوغ مرا بر خود گیرید و از من بیاموزید، زیرا من حلیم و فروتن هستم و برای جان‌هایتان آرامش خواهید یافت. یافت. یوغ من آسان و بار من سبک است.

حاکمیت الهی، مسئولیت انسانی و تنش به اندازه راز تثلیث یا دو ذات شخص مسیح مهم نیست. اما به همان اندازه اسرارآمیز است و کتاب مقدس تعلیم می‌دهد.

من متوقف خواهم شد. من می‌توانم برای مدت طولانی به پاساژهای دیگر بروم. دست در دست، آنها را در کنار هم قرار می‌دهد.

و بنابراین ما باید هر دو را تأیید کنیم. در هر صورت، من از تو سپاسگزارم، پدر، پروردگار آسمان و زمین. تنها خدا را می‌توان پروردگار آسمان و زمین نامید.

در یوحنا ۱۷، در دعای بزرگ کاهنان، عیسی می‌گوید، پدر مقدس، پدر عادل، پدر عادل. اینها عناوین الهی هستند. پدر مقدس، آنها را حفظ کن، قومی که پدر به پسر به نام تو داده است، که به من داده‌ای تا آنها یکی باشند، همانطور که ما یکی هستیم.

او در این دعای بسیار زیبا، پدر را به عنوان خود خدا خطاب می‌کند. پدر مقدس. پدر مقدس، پسر مقدس و روح القدس.

عناوین الهی، همه. خدای همه تسلی‌ها. دوم قرن‌تین ۱، مورد علاقه مسیحیان و کشیشان است.

چرا؟ به خاطر تعلیم زیبایی که می‌دهد. دوم قرن‌تین ۱:۳، متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح، پدر رحمت‌ها و خدای همه تسلی‌ها، که ما را در همه سختی‌هایمان تسلی می‌دهد، پس هدف این است. یک هدف خدا این است که قوم خود را تسلی دهد تا ما بتوانیم کسانی را که در هر سختی هستند با تسلی‌ای که خودمان از خدا تسلی می‌یابیم، تسلی دهیم.

چقدر خدا خوب است. خدای همه تسلی‌ها همان چیزی است که پدر نامیده می‌شود. باز هم، این موضوع تحت نظر ما قرار می‌گیرد زیرا ما فرض می‌کنیم که خدا خداست و او خداست، اما اینطور نیست. ما نباید فقط فرض کنیم.

ما باید هر جنبه‌ای از ایمان خود را از کتاب مقدس اثبات کنیم. در اینجا نیازی به ژیمناستیک ذهنی زیادی نیست تا بفهمیم خدای همه تسلی‌ها که به قوم خود تسلی می‌دهد و آنها نیز به نوبه خود آن را به دیگران می‌دهند، خدای قادر مطلق است که در این زمینه سرشار از عشق و شفقت برای قوم خود است. افسسیان باز هم، جسارت می‌کنم و می‌گویم اگر بگویید چه چیزی به ذهنتان می‌رسد، اگر به این پاراگراف عالی فکر ۱:۱۷ کنید، حتی می‌توانید از مردم بخواهید که افسسیان ۱:۱۵ را تا انتهای فصل بخوانند.

شک دارم کسی این حقیقت را بگوید که می‌گوید خدا را پدر جلال و خدای خداوند عیسی مسیح می‌نامد، اما این کار را می‌کند. ما فقط از آن می‌گذریم، و من فکر می‌کنم با انجام دقیقاً همان کاری که اکنون انجام می‌دهیم خدا را بهتر جلال می‌دهیم. شاید این موضوع در تفکر و دعا‌های ما جایگاه بهتری پیدا کند، و فکر می‌کنم این را در این مجموعه سخنرانی‌ها گفته‌ام.

شیوه‌ای درست و ارتدکس انجام شود، بهتر است مبتنی بر تفسیر باشد، درست است؟ ثانیاً، مطالعه آموزه‌های کتاب مقدس، تفسیر را شکل می‌دهد زیرا به ما کمک می‌کند تا ببینیم واقعاً چه چیزی وجود دارد که ما آن را بدیهی می‌دانستیم.

من در طول سال‌ها تدریس آموزه کفار، وقتی به کریستوس ویکتور یاد می‌دهم که مسیح قهرمان قدرتمند ماست که دشمنان ما را شکست می‌دهد، می‌دانم و این را در همه جای کتاب مقدس، از پیدایش ۳:۱۵ تا مکاشفه ۵، نشان می‌دهم. مسیح یک قهرمان است. مسیح پیروز است.

او دشمنان ما را شکست می‌دهد. او شیطان را شکست می‌دهد. او دیوها را نابود می‌کند.

می‌دونی، قبل از روز موعود ما رو قضاوت نکن. همه این‌ها. بعدشم من دانشجوهای رو دیدم که اینجوری رفتار می‌کنن.

وای، این یک موضوع فوق‌العاده در کتاب مقدس است. من قبلاً این چیزها را خوانده‌ام، اما هرگز به اندازه الان متوجه آن نشده بودم. عالی! نه تنها باید سیستماتیک بر اساس تفسیر ساخته شود، بلکه باید با کمک به مردم برای درک آنچه در آنجا وجود دارد، همانطور که آموزه‌های کتاب مقدس را درک می‌کنند، درک تفسیری را نیز تحریک کند، که این همان چیزی است که الهیات، الهیات مسیحی، در مورد آن است.

به همین دلیل، پولس در افسسیان ۱:۱۵ می‌گوید: «چون از ایمان شما به خداوند عیسی مسیح و محبت شما به همه مقدسین باخبر شدم، از شکرگزاری برای شما باز نمی‌ایستم و در دعاهایم شما را به یاد می‌آورم که خدای خداوند ما عیسی مسیح، همان پدر است و او را خدای پسر پسر مجسم، پدر جلال می‌نامم.» این حالت مفعولی جلال را می‌توان به «پدر جلال» ترجمه کرد. اگر تا به حال عناوین الهی را دیده باشیم، آنها را خواهیم یافت.

خدای خداوند عیسی مسیح، پدر پر جلال. ای کلام من. باشد که او به شما روح حکمت و وحی را در شناخت او عطا کند تا زندگی، چشمان و قلب شما روشن شود، که شما آن را خواهید دانست، و سپس او به طرز شگفت‌انگیزی سه چیز را توضیح می‌دهد.

امیدی که ما داریم، عظمت قدرت خدا نسبت به ما و من در واقع آنها را از نظم خارج کردم. ثروت خدا، امیدی که او ما را به آن فراخوانده است. ثروت میراث باشکوه خدا در مقدسین و قدرت عظیم خدا.

این همان چیزی است که او واقعاً در خود پرورش می‌دهد. قدرت عظیم خدا نسبت به ما که ایمان داریم. امید ما، امیدی راسخ است که عیسی دوباره خواهد آمد و ما میراث شگفت‌انگیزی را که پطرس در باب اول، آیات سه تا پنج از آن صحبت می‌کند، خواهیم داشت.

خدا جایزه بزرگ رو میبیره. شما بگو، نه، نه، نه، نه. میراث باشکوه خدا در مقدسین، مقدسین هستند.

نه، او این کار را نمی‌کند. در افسسیان ۵، مسیح کلیسا را دوست داشت، به خود نیروی داد تا کلیسا را تقدیس کند تا آن را مقدس سازد، و کلیسا را به عنوان عروس، بی‌عیب و نقص، بی‌لکه، زیبا، بدون هیچ گناه یا نقصی به خود تقدیم کرد. خدا به لطف خود، کلیسا را پس از مرحله ستیزه‌جویی خود به عنوان کلیسای پیروز معرفی خواهد کرد و خدا در تجلیل قوم خود جلال خواهد یافت، زیرا سپس ثروت میراث باشکوه خود را در مقدسین به فرشتگان آشکار خواهد کرد.

او وارث قدیسان خود است. در هر صورت، من دارم وارد متن می‌شوم، که متن زیبایی است، اما ایده اصلی این است: خدای پدر، پدر باشکوه و خداوند عیسی مجسم است.

در افسسیان ۴، پولس بیانیه قطعی کتاب مقدس را در مورد وحدت کلیسا ارائه می‌دهد. شما آن را به خوبی می‌دانید. او پس از ترغیب خوانندگان به دنبال کردن وحدت و صلح، می‌گوید که یک بدن و یک روح وجود دارد، همانطور که شما به یک امید که متعلق به دعوت شماست فراخوانده شده‌اید، یک خداوند، یک ایمان. یک تعمید، یک خدا و پدر همه که بر همه، از طریق همه و در همه است.

یک خدا و پدر همه، الوهیت پدر را نشان می‌دهد. یک بدن مسیح، کلیسا، یک روح، بدیهی است که روح القدس، یک امید به حیات ابدی، یک خداوند، عیسی مسیح، یک ایمان به او، یک غسل تعمید. با پیروی از الگوی کتاب اعمال رسولان، غسل تعمید مسیحی از ایمان به مسیح پیروی می‌کند.

این به معنای رد غسل تعمید نوزادان نیست. فقط در مورد آن صحبت نمی‌شود. یک خدا و پدر همه که مافوق همه، در میان همه و در همه است.

این آخرین ابراز نگرانی ماست. او خداست. او متعال است.

او در کل، در همه چیز و در همه چیز است. پولس چگونه می‌توانست این را با تأکید بیشتری بیان کند؟ یعقوب ۳:۹، بله، بخشی که در مورد گفتار یا زبان انسان از طریق مجاز صحبت می‌کند. زبان برای آنچه تولید می‌کند، یعنی گفتار، استفاده می‌شود و یعقوب از این بابت خوشحال نیست.

او حتی یک نکته‌ی مثبت هم در این مورد نمی‌گوید. او به بله، می‌گوید. او یک نکته‌ی مثبت هم در این مورد می‌گوید.

او می‌گوید، با این کار ما خدا و پدرمان را ستایش می‌کنیم. بله، سطر بعدی را می‌گوید، اما با آن ما انسان‌هایی را که به تصویر او ساخته شده‌اند، نفرین می‌کنیم. او چیز خوبی نمی‌گوید.

او می‌گوید زبان‌های ما دمدی مزاج هستند. آنها دمدی مزاج هستند. حالا درست است که آنها پروردگار و پدر ما را ستایش می‌کنند.

با آن خدا را ستایش می‌کنیم. بدیهی است که کلمات پس از «ما ستایش می‌کنیم» اشاره به خداست. در اینجا او خداوند و پدر ما نامیده می‌شود.

خدا خداست. می‌دانم، این یک حقیقت بدیهی است، اما ما باید آن را از کتاب مقدس نشان دهیم. اول پطرس ۱:۳، متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح، که ما را از طریق رستاخیز عیسی مسیح از مردگان، برای امیدی زنده از نو متولد کرد.

خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح. شما می‌گویید، یک دقیقه صبر کنید. آیا پسر از ازل خدایی داشته است؟ نه، اما پسر مجسم شده خدایی دارد. در واقع، عبرانیان فصل ۱، در آیتی که پشت سر هم قرار دارند، می‌گوید پسر خدایی دارد و پسر خداست.

صحبت از پسر مجسم شد، بنابراین خدا، خدای تو، عبرانیان ۱:۹، تو را با روح القدس به عنوان پادشاه برتر از همه پادشاهان زمینی مسح کرده است. درباره پسر، خدا می‌گوید، تخت تو، ای خدا، آیه ۸. پدر، پسر را خدا می‌نامد و پسر خدایی دارد. پسر مجسم شده، خداست.

به این ترتیب، پدر او را خدا می‌نامد، و او پسر مجسم و مطیع پدر است. به این ترتیب، پدر خدای اوست. من حرف خودم را تایید می‌کنم.

. با نحوه ارتباط او و مسیح با یکدیگر، الوهیت پدر را نشان می‌دهد.

ما دقیقاً با همان اصطلاحاتی که گفتیم، در مورد مسیح مجسم صحبت می‌کنیم. او به عنوان خدا-انسان خدایی دارد. در هنگام غسل تعمید عیسی، پدر از آسمان اعلام می‌کند که عیسی پسر اوست، متی ۳. وقتی عیسی تعمید گرفت، فوراً از آب بیرون آمد و ناگهان آسمان‌ها به روی او گشوده شد و او روح خدا را دید که مانند کبوتری فرود می‌آید.

این یک تناومی است، ظهور مرئی خدای نامرئی که بر او قرار می‌گیرد و نشان می‌دهد که روح هرگز او را ترک نخواهد کرد. روح به عنوان خدا-انسان، دارای دائمی اوست. و ناگهان، صدایی از آسمان گفت: این پسر محبوب من است که از او بسیار خوشنودم.

در غسل تعمید عیسی، پدر از آسمان اعلام می‌کند که عیسی پسر اوست. همانطور که در متی ۱۱ دیدیم، پس از اینکه عیسی شهرهای جلیل را که معجزات او را دیده بودند و هنوز ایمان نیاورده و پیام‌های او را نشنیده

بودند، سرزنش کرد، پدر را پروردگار آسمان و زمین خواند و هیچ کس پسر را جز پدر نمی‌شناسد، هیچ کس پدر را جز پسر نمی‌شناسد، و کسانی که پسر بخواهد او را به آنها آشکار کند. این به دانش متقابل بین پدر و پسر اشاره دارد.

در مورد هیچ کس جز خدا نمی‌توان گفت که هیچ کس جز پدر، پسر را نمی‌شناسد. مطمئناً، مردم پسر را می‌شناسند. او، اما نه به این شکل. آنها نمی‌شناسند.

و در مورد هیچ کس جز خدا نمی‌توان گفت که هیچ کس پدر را نمی‌شناسد، جز پسر و کسانی که پسر بخواهد او را به آنها آشکار کند. هر دو خدا را می‌شناسند. پسر پدر را می‌شناسد و کسانی که او بخواهد او را به آنها آشکار کند، پدر را می‌شناسند.

اما این دو نوع دانش متفاوت هستند. یکی به این دلیل است که پسر تصمیم می‌گیرد پدر را به عنوان خداوند و نجات‌دهنده‌شان به آنها آشکار کند. دیگری دانش الهی، ذاتی و متقابل از شخصیت‌های تثلیث است که در تجسم نیز ادامه می‌یابد.

پدر پسر را به جهان می‌فرستد. بارها و بارها، یوحنا این را می‌گوید. من فقط یک آیه را می‌خوانم، یوحنا ۱۷: ۳:

پس از مشهورترین آیه کتاب مقدس، یوحنا ۱۶: ۳. زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که ما را فرستاد و پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نشود، بلکه حیات جاودان یابد. زیرا خدا پسر خود را به جهان نفرستاد تا جهان را محکوم کند، بلکه فرستاد تا جهان از طریق او نجات یابد.

عیسی با مأموریت نجات آمد. آیا او داوری را به ارمغان نمی‌آورد؟ بله، او می‌آورد. اما این هدف اصلی مأموریت او نیست.

او یک مبلغ مذهبی است. مبلغان مذهبی به جایی می‌روند که مردم را دوست داشته باشند، انجیل را به اشتراک بگذارند و به خواست خدا، مردم را به سوی مسیح هدایت کنند. آنها نمی‌روند تا داوری بیاورند، اما آیا این کار را می‌کنند؟ بله، آنها افرادی را می‌آورند که انجیل را می‌شنوند و آن را رد می‌کنند، کسانی که داوری شدیدتری نسبت به کسانی که هرگز نشنیده‌اند، خواهند داشت.

یکی از پیامدهای جانبی نیت نجات‌بخش مبلغ مذهبی، داوری است. این امر برای پسر خدا، برای پدر بخشید، و برای پسر و روح‌القدس نیز یکسان است. خدا پسر خود را به جهان نفرستاد تا جهان را محکوم کند، بلکه فرستاد تا جهان از طریق او نجات یابد.

آیا پسر، جهان، یعنی کافران را محکوم خواهد کرد؟ بله. آیات مربوط به داوری به طور مساوی بین پدر و پسر به عنوان داور تقسیم شده‌اند. هرگز روح‌القدس، اما به عنوان نتیجه‌ای از الهیات تثلیثی، من اینطور می‌گویم.

داور روز آخر کیست؟ داور، تثلیث مقدس است زیرا خدا جدایی‌ناپذیر است و در اعمال خود نیز جدایی‌ناپذیر است. کتاب مقدس به طور خاص می‌گوید که پدر و پسر در این نقش سهیم خواهند بود. به نظر من، هرگز نگفته که روح‌القدس این کار را انجام می‌دهد.

من این را به عنوان یک داده کتاب مقدس تصدیق می‌کنم و سپس نتیجه می‌گیرم، با این وجود، از آنجا که خدا سه در یک و جدایی‌ناپذیر است و تمام عملیات خارجی او توسط هر سه شخص به اشتراک گذاشته شده است، این کار تثلیث مقدس است. پدر، عیسی را به جهان می‌فرستد. شما می‌توانید الوهیت پدر را با برخی از این موارد نشان دهید و نشان دهید که این رابطه متقابل نیست.

پسر، پدر را به جهان فرستاده، بی‌معنی است. اشتباه است. اشتباه است.

نه. نه. یه دستوری هست.

آنها برابرند. آنها ابدی هستند. آنها در جلال و قدرت برابرند، و باید برای همیشه پرستش شوند، و خواهند شد.

اما پسر، پدر را به جهان نفرستاد. روح القدس نفرستاد. پدر، پسر را فرستاد و بعداً، پدر و پسر، روح القدس را به جهان فرستادند.

همین رابطه پدر با مسیح، الوهیت واقعی پدر را نشان می‌دهد. پدر به پسر اقتدار می‌دهد. شما نمی‌توانید این گفته را برعکس کنید.

هرگز. و پسر به پدر اختیار بخشش داد. نه.

نه. این کار نمی‌کند.

وقتی عیسی این سخنان را گفت، یوحنا ۱۷، چشمان خود را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: «پدر ۱۷:۲ ساعت فرا رسیده است. پسر خود را جلال بده تا پسر نیز تو را جلال دهد، زیرا تو به او بر تمام بشر اقتدار بخشیده‌ای.» این نشان دیگری از اعطای اقتدار توسط پدر به پسر است.

یا این اولین نمایش اولیه است، که قرار است در مورد آن صحبت کنم. متشکرم. چرا پدر به پسر اختیار بر تمام موجودات را داد؟ پسر مجسم.

تا به همه کسانی که به او بخشیده‌ای، حیات جاودان عطا کند. مفهوم اعطای مردم توسط پدر به پسر، یکی از سه مضمون برگزیدگی یوحنا است و چهار بار در دعای بزرگ در یوحنا ۱۷ آمده است. در این دعا، رستگاری قوم خدا تعیین می‌شود.

پسر، پدر را به آنها آشکار می‌کند، حیات جاودان می‌بخشد، آنها را حفظ می‌کند و برایشان دعا می‌کند. من برای دنیا دعا نمی‌کنم، برای کسانی که به من داده‌ای دعا می‌کنم و غیره. و در عدد ۲۶، خلاصه‌ی آن، متاسفم، ۲۴ است.

ای پدر، من نیز آرزو دارم که آنانی که به من بخشیده‌ای، در جایی که من هستم، با من باشند تا جلال مرا که به من بخشیده‌ای، ببینند، زیرا تو مرا پیش از این، در آغاز جهان، دوست داشتی. پدر به پسر اقتدار می‌دهد.

همچنین مکاشفه ۲:۲۷، ما به آنجا نمی‌پردازیم. پدر به پسر کلام می‌دهد. یکی از تصاویر اصلی یوحنا از پسر، در کنار اینکه او حیات بخش است، کسی که حیات جاودان را به مردم می‌بخشد، به عنوان آشکارکننده پدر نامرئی است.

بنابراین در یوحنا ۱۲، عیسی می‌توانست بگوید، یوحنا ۱۲:۴۹ و ۵۰، من از جانب خودم سخن نگفته‌ام، یعنی خلاف اراده خدا، بلکه پدری که مرا فرستاده به من فرمان داده است که چه بگویم و چه بگویم. و من می‌دانم که فرمان او حیات جاودان است. بنابراین، آنچه من می‌گویم، همان چیزی است که پدر به من گفته است.

این گفته قابل برگشت نیست. پدر آنطور که پسر به او می گوید صحبت نمی کند. نه، این کار نمی کند.

آیا ما در مورد روابط ابدی بین تثلیث صحبت می کنیم؟ ما اینطور نیستیم. ما در مورد اقتصاد صحبت می کنیم. ما در مورد تجسم صحبت می کنیم.

پدر به پسر فرمود که چه بگوید. و پسر، آشکارکننده ی پدر است. تقریباً در هر صفحه از انجیل یوحنا

پدر به پسر کاری برای انجام دادن می دهد. ما آن را درست در آیه بعدی می بینیم، جایی که در یوحنا ۱۷ یا دو آیه توقف کردیم. یوحنا ۱۷:۳، این حیات جاودان است که آنها تو را بشناسند، تنها خدای حقیقی در عیسی مسیح که تو فرستاده ای.

ای پدر، من تو را بر روی زمین جلال داده ام، به این معنا که کاری را که به من سپرده بودی به انجام رسانده ام. پسر و روح القدس به پدر کاری نمی دهند، بلکه پدر به پسر کاری می دهد.

و می توانیم بگوییم که هر دو به روح القدس کار می دهند، هرچند که الان موضوع بحث ما نیست. عیسی هیچ کاری را از خودش انجام نمی دهد، یوحنا ۵:۳۰. او فقط کاری را انجام می دهد که پدر از او می خواهد.

او از پدر اطاعت می کند، یوحنا ۶:۳۸، ۸:۲۴، ۱۴:۳۱. آن آخری واقعاً خوب است. حاکم این جهان، یوحنا ۱۴:۳۰، در راه است.

او دارد می آید تا مرا بکشد. او هیچ ادعایی بر من ندارد. هیچ گناهی در من وجود ندارد که او را جذب کند و او بتواند به نوعی ادعای حکومت بر این جهان را داشته باشد.

اما من همانطور که پدر به من دستور داده است عمل می کنم، تا جهان بدانند که من پدر را دوست دارم. برخیزید، از اینجا برویم. عیسی تا مرگ بر روی صلیب از پدر اطاعت می کند.

و او به پدر دعا می کند، یوحنا ۱۴:۱۶ و ۱۷. من از پدر درخواست خواهم کرد و او یآوری دیگر به شما خواهد داد تا همیشه با شما باشد، حتی روح راستی و غیره. پدر عناوین الهی دارد.

رابطه پدر با مسیح پیچیده است، اما به وضوح نشان می دهد که پدر خداست. این موضوع الوهیت پسر را انکار نمی کند. البته گاهی اوقات بر انسانیت پسر در تجسمش تأکید می کند.

پدر در ذات خود دارای صفات الهی است. این صفات شامل وجود ذاتی است، یوحنا ۵:۲۶. پدر در ذات خود حیات دارد.

او بی علت است. سوال کودک کوچک، مامان، چه کسی خدا را ساخته است؟ هیچکس خدا را نساخته، عزیزم. خدا همیشه بوده است.

مامان، فهمیدنش سخته. به جمع انسان ها خوش اومدی عزیزم. قول می دم.

پدر در ذات خود حیات دارد. هیچ کس او را به وجود نیاورده است. او بی علت است.

دوست دارم اینطور بگویم. او خدای زنده است. فهم بی نهایت، مزمور ۱۴۷، ۵. فهم او بی نهایت است.

حضور مطلق، ارمیا ۲۳:۲۳-۲۴. آیا من فقط خدایی در این نزدیکی هستم؟ آیا من همچنین خدایی در دوردست‌ها نیستم؟ پاسخ این است که بله، بله. او در همین نزدیکی‌هاست.

او قریب‌الوقوع است. او نزدیک است. او، او خیلی دور است.

او متعالی است. چطور می‌توانید این را توضیح دهید؟ من نمی‌توانم این را توضیح دهم. به این می‌گویند خدا

و پدر آن ویژگی‌هایی را دارد که باز هم قیاس منطقی خدا را نشان می‌دهد. ویژگی‌های خاصی وجود دارد که فقط خدا از آنها برخوردار است. کتاب مقدس آن ویژگی‌ها را به خدا، یعنی پدر، نسبت می‌دهد.

بنابراین، پدر خداست. علم مطلق، اشعیا ۲۸:۴۰. اشعیا ۴۰ شگفت‌انگیز است.

درباره تعالی خدا صحبت کن. در نظر خدا، انسان‌ها ملخ هستند. وای

شگفت‌انگیز. اشعیا ۲۸:۴۰. آیا نشنیده‌ای؟ آیا ندانسته‌ای؟ آیا نشنیده‌ای؟ یهوه خدای جاودان، آفریننده اقصای زمین است.

او مانند انسان خسته و درمانده نمی‌شود. فهم او کاوش‌ناپذیر است. او همه چیز را می‌داند.

او ابدی است. مزمور ۹۰ بسیار زیباست. از ازل تا ابد، تو خدا هستی

بله، اما به متن توجه کنید. پروردگارا، تو مسکن ما بوده‌ای در همه نسل‌ها، پیش از آنکه کوه‌ها آفریده شوند یا جهان، زمین و جهان را آفریده باشی. از ازل تا ابد، تو خدا هستی.

این خدای ابدی، مسکن اسرائیل است. هلولویاه. از ازل تا ابد، خدا، خداست.

عدالت. یوحنا ۱۷:۲۵. ای پدر عادل، عیسی در آن دعای بزرگ کاهنی دعا کرد.

حاکمیت. متی ۱۱:۲۵. ما قبلاً آنجا بوده‌ایم.

پدر، پروردگار، پروردگار آسمان و زمین. او به پدرش دعا می‌کند. دانش

ما قبلاً گفتیم که او فهم بی‌نهایت دارد و همه چیز را می‌داند. عیسی گفت: مانند بت‌پرستانی نباشید که بارها و بارها دعا می‌کنند و فکر می‌کنند که به خاطر کلمات زیادشان شنیده می‌شوند. متی ۶:۸. موعظه بالای کوه

مانند آنها نباشید، زیرا پدرتان پیش از آنکه از او بخواهید، نیازهای شما را می‌داند. چرا دعا می‌کنیم که او بخواهد از او بخواهیم؟ او پیش از آنکه از او بخواهید، نیازهای شما را می‌داند. او خداست.

او سخاوتمند است. متی ۵:۴۵. او آفتاب و باران خود را می‌سازد.

او در این زمینه خدایی بخشنده و بی‌قید و بند است. در واقع، خوبی او شامل حال همه مخلوقاتش می‌شود. او با حیوانات مهربان است.

همه این چیزها به خدا نسبت داده می‌شود. خدای عمومی، که ما آن را به عنوان خدای پدر می‌شناسیم. رحمت او.

لوقا ۶:۳۶. عیسی گفت، همانطور که پدرتان مهربان است، مهربان باشید. یک مسیحی بی‌رحم، یک تناقض است، یک تناقض در کلمات است.

گوش کنید دوستان، ما در رحم و شفقت متخصص هستیم، زیرا خودمان از چشمه رحمت، عمیقاً نوشیده‌ایم. مطمئناً می‌توانیم به دیگران رحم کنیم. آیا وقت سرزنش کردن نیست؟ البته که هست.

آیا وقت برای اصلاح آن نیست؟ البته که هست. آیا وقت برای داوری نیست؟ بله. تعلیم کتاب مقدس در مورد داوری بسیار پیچیده است.

میگه شش بار قضاوت نکن. میگه شش بار قضاوت کن. باید در این مورد مراقب باشیم.

اما مطمئناً ما در دریافت رحمت متخصص هستیم. ما باید در بخشش به دیگران بسیار کوشا باشیم. وقتی مردم به شما فکر می‌کنند، آیا می‌گویند که او زن مهربانی است؟ رحمت از منافذ او بیرون می‌آید.

این یک راه عالی برای شناخته شدن است، اینطور نیست؟ خدا اینگونه است. او وفادار است، برخلاف ما که دمدمی مزاج هستیم. نزد او هیچ تغییر یا سایه‌ای از تغییر وجود ندارد، یعقوب ۱:۱۷. همانطور که در گوی‌های آسمانی او، نورهایی در اطراف ما وجود دارد، نزد خدا نیز هیچ تغییری وجود ندارد.

او ثابت قدم است. او قابل اعتماد است. پدر ما امین است.

عشق، زیرا خدا جهان را آنقدر دوست داشت که پسر یگانه‌اش را داد، یوحنا ۳:۱۶. صفات الهی فراوانند، و گاهی اوقات به پسر یا روح نسبت داده می‌شوند. اما به طور گسترده و فراوان، به پدر نسبت داده می‌شوند. آنقدر که ما حتی متوجه آنها نمی‌شویم.

بنابراین در حال حاضر، ما عمداً متوجه چیزی هستیم که اغلب از آن غافل می‌شویم. پرستش. پدر پرستشی را دریافت می‌کند که فقط متعلق به خداست.

قوم او را ستایش می‌کنند، یعقوب ۳:۹. با زبان‌هایمان خدا و پدر خود را ستایش می‌کنیم. باز هم، این در این زمینه چیز خوبی نیست زیرا با همان زبان‌هایمان، انسان‌هایی را که به تصویر او ساخته شده‌اند، نفرین می‌کنیم. و بدین ترتیب نفرین می‌کنیم. اما با این حال، این به خودی خود چیز خوبی است.

با زبان خود، خدا و پدر خود را ستایش می‌کنیم. فیلیپیان ۴:۲۰. قوم خدا او را جلال می‌دهند. و خدای من هر نیاز شما را بر اساس ثروت خود در جلال در مسیح عیسی رفع خواهد کرد.

فیلیپیان ۴:۱۹. خدا و پدر ما را تا ابد جلال باد. آمین. این یک ستایش است که جلال را به خدا نسبت می‌دهد.

هر چیزی شکرگزار خدای پدر به نام خداوند ما عیسی مسیح باشید. چه زیباست. خدا شایسته پرستش است.

پرستشی که تنها از آن خداست. او موضوع پرستش دینی است، یعقوب ۱:۲۷. احتمالاً ما آن جمله را آنطور که یعقوب تمام کرد، تمام نمی‌کردیم. دین پاک و بی‌آلایش در نظر خدای پدر ما این است.

برای جمعیت موعظه کردن و زنده کردن مردگان. نه، برای اینکه خود را از آلودگی دنیا دور نگه دارم و در سختی‌های یتیمان و بیوه‌زنان به دیدارشان بروم. شوخی می‌کنی؟ نه، شوخی می‌کنم.

البته، این به زمینه تاریخی کتاب یعقوب مربوط می‌شود. زمینه نه تنها به معنای بافت ادبی، کلمات روی صفحه، بلکه به معنای رویداد گفتاری نیز هست. این به معنای زمینه تاریخی است.

و برخی افراد فقیر، واقعاً فقیر بودند. برخی دیگر نه چندان فقیر، بلکه واقعاً فقیر بودند که یعقوب نگران آنها بود. بیوه زنان و یتیمان در هر دو عهد اغلب مورد غفلت و سوءاستفاده قرار می‌گیرند.

و خداوند به آنها توجه و علاقه دارد. و او می‌خواهد قومش نیز همین کار را انجام دهند. و وقتی این کار را می‌کنند، در دینی پاک و بی‌آلایش مشارکت می‌کنند.

مراقب باشید. یعقوب دین، آن چیزی که به عنوان دین توصیف می‌شود را محکوم می‌کند و در همان فصل از کتابش آن را ستایش می‌کند. غسل تعمید به نام پسر و روح انجام می‌شود، درست است؟ بله، اما به نام پدر و پسر و روح است. این یک آیه تثلیثی عظیم است زیرا عیسی، همانطور که متی ثبت می‌کند، می‌گوید که آنها را به نام تعمید می‌دهد، این مفرد است، پدر و پسر و روح القدس.

زیباست. مؤمنان برای او زندگی می‌کنند. اول قرن‌تین ۸:۶ یک متن فوق‌العاده مهم است، و من این را در چند سال گذشته، در مورد الوهیت مسیح، کشف کردم.

اگرچه ممکن است به اصطلاح خدایان، ۸.۵ از اول قرن‌تین، در آسمان یا روی زمین وجود داشته باشند با این حال، برای ما، یک اربابان زیادی، کوچک، همانطور که در واقع خدایان زیادی وجود دارند، کوچک خدا وجود دارد، پدر، که همه چیز از اوست و ما برای او وجود داریم. و یک پروردگار، عیسی مسیح، که همه چیز از اوست و ما از اوست که وجود داریم. عیسی به عنوان خدا در کنار پدر شناخته می‌شود و به عنوان خدا شناخته می‌شود.

و این دغدغه‌ی فعلی ماست، الوهیت پدر. و بنابراین اشاره می‌کنیم که برای ما، یک خدا و یک پدر وجود دارد. به نظر می‌رسد ما خدایان و اربابان متعددی نداریم.

او خالق همه چیز است. و ما برای او زندگی می‌کنیم. ما برای انسان‌ها یا حتی خودمان یا فرشتگان زندگی نمی‌کنیم.

ما برای خدا زندگی می‌کنیم. و در این زمینه، پدر همان است. ما با هم رفاقت داریم، اول یوحنا ۱:۳. یکی از اهداف یوحنا این است که شما با ما رفاقت داشته باشید و رفاقت ما با پدر و با پسرش، عیسی مسیح است.

یوحنا معمولاً روح القدس را حذف می‌کند. این داستان دیگری است. او در اول یوحنا به روح اشاره می‌کند که خوب است.

به هر حال، رفاقت ما با پدر و با پسرش است. رفاقت در رساله اول یوحنا، روش دیگری برای صحبت در مورد نجات، نجات مشترک است. این نجات در میان انسان‌ها مشترک است، اما قبل از هر چیز از تثلیث مقدس سرچشمه می‌گیرد و شامل آن می‌شود، دو شخصی که یوحنا از میان آنها به دو نفر اشاره می‌کند.

و البته، او با شخص اول، یعنی پدر، شروع می‌کند. و ما به او دعا می‌کنیم زیرا او خداست. افسسیان ۱۴:۳ تا

سعی می‌کنم این قسمت‌ها را تکرار نکنم، اما هنوز به این قسمت نپرداخته‌ایم. افسسیان ۳، از آیه ۱۴ شروع می‌شود. به همین دلیل، در برابر پدر زانو می‌زنم.

مطمئنأً، در کتاب مقدس، حالات مختلف دعا آمده است. من بیش از این در این مورد صحبت نمی‌کنم. از او که هر خانواده‌ای در آسمان و زمین نام گرفته است، تا بر اساس غنای جلال خود، به شما عطا کند که در وجود درونی خود از طریق روح خود با قدرت تقویت شوید، تا مسیح از طریق ایمان در قلب‌های شما ساکن شود، تا شما که در عشق ریشه دوانده و استوار شده‌اید، قدرت داشته باشید که با همه مقدسین، عرض و طول و ارتفاع و عمق را درک کنید و عشق مسیح را بشناسید.

F این گذرگاه معرفت شماس است، تا از تمامی کمال خدا سرشار شوید. من در برابر پدر زانو می‌زنم. حرف بزرگ تفسیر صحیح این کلمه در اینجا است.

چون خدای پدر... دعا به خدای پدر خطاب می‌شود چون او خداست. پدر خداست. او عناوینی دارد که فقط به طور مناسب به خدا داده شده است.

رابطه او با مسیح مجسم، پسر مجسم، حتی مسیح، نشان می‌دهد که پدر خداست. پدر صفات الهی دارد که به او نسبت داده می‌شود. او مورد پرستش قرار می‌گیرد و در نهایت، پدر اعمالی را انجام می‌دهد که فقط خدا انجام می‌دهد.

ببخشید اگر با این حرف‌ها خسته‌تان می‌کنم، اما این یک قیاس منطقی است. اعمال خاصی وجود دارد که فقط خدا انجام می‌دهد. پدر آن اعمال را انجام می‌دهد. بنابراین، پدر خداست.

رسیدن به این نتیجه اجتناب‌ناپذیر است. این یک نتیجه‌ی مقاومت‌ناپذیر است، این کلمه‌ای است که می‌خواستم، یک نتیجه‌ی مقاومت‌ناپذیر. پدر نقش‌ها را ایفا می‌کند و اعمال خدا را انجام می‌دهد.

او خالق همه چیز است، اول قرن‌تین ۸، ۶. همه چیز از اوست. او پسر خود را می‌فرستد تا نجات‌دهنده‌ی گمشدگان باشد، اول یوحنا ۴، ۱۸. پدر پسر را فرستاد تا نجات‌دهنده‌ی جهان باشد.

این دنیا خیلی بد است؛ در هر صورت خدا آن را دوست دارد. آیا ما خوشحال نیستیم؟ خدا روح القدس را برای به کار بردن نجات می‌فرستد، یوحنا ۲۶: ۱۴. عیسی گفت: من روح حقیقت را برای شما می‌فرستم.

من می‌روم. شما را تنها نمی‌گذارم. می‌خواهم روح القدس را بفرستم.

پدر می‌دهد، ببخشید، و پدر روح را می‌فرستد. نه تنها عیسی، یوحنا ۲۶: ۱۴. من از پدر می‌خواهم، و او روح را برای شما می‌فرستد.

بهتر است من کتاب مقدس را از خودم نسازم. ایده خوبی نیست. اما یاور، روح القدس، که پدر به نام من خواهد فرستاد، او به شما تعلیم خواهد داد و غیره.

پدر به مؤمنان تولد تازه می‌بخشد، اول پطرس ۳: ۱. متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح، که ما را از طریق رستاخیز عیسی مسیح، از مردگان، برای امیدی زنده از نو زاده کرد. تثلیث در باززایی نقش دارد.

به طور خاص، پدر آن را اراده می کند. او آن را برنامه ریزی می کند. پدر فیض و آرامش می دهد، رومیان ۱:۷. دوم یوحنا ۳. پدر به فرزندانش فرمان اطاعت می دهد، دوم یوحنا ۴. اینها کارهای خدا هستند.

اینها نقش هایی هستند که فقط خدا ایفا می کند. همانطور که دیدیم، خدا ما را در تمام سختی هایمان تسلی می دهد، دوم قرنتیان ۱:۳. پدر همه تسلی ها، تا ما بتوانیم دیگران را با تسلی ای که او به ما داده است، تسلی دهیم. پدر مردگان را زنده خواهد کرد، یوحنا ۵:۲۱.

این در مورد هر سه شخص در کتاب مقدس گفته شده است. در درجه اول در مورد پدر با فعل الهی منفعل. گاهی اوقات، در مورد پسر.

در رومیان ۸، حداقل یک بار، روح القدس وارد عمل می شود. پدر بی طرفانه داوری می کند. پطرس می گوید اگر پدر را می خوانید، کسی که بی طرفانه بر اساس کار هر کس داوری می کند، زندگی خود را بر روی زمین با ترس سپری کنید.

اول پطرس ۱:۱۷. لوتر گفت، این ترس، ترسی آمیخته با عشق به خداست، خدایی که ابتدا ما را دوست داشت. به گفته جان مری، این ترس از وحشت نیست، بلکه ترس از افتخار است.

همانطور که مردم به والدین خود احترام می گذاشتند و از آنها می ترسیدند. مطالب کتاب مقدس فراوان است؛ من با این کلمات و به روشنی به پایان می رسانم. پدر، خداست.

در سخنرانی بعدی مان، به خواست خدا، نشان خواهیم داد که پسر نیز خداست.

این دکتر رابرت ای. پترسون و آموزه های او در مورد الهیات به معنای واقعی کلمه یا خدا است. این جلسه ششم است، پدر خداست.